نگاه

بار مضاعفی که تلگرام به دوش کشید

جعفر محمدی

از چند سال گذشته تاکنون چند اتفاق افتاده است؛ یکی اینکه شبکه‌های اجتماعی «ترند» شدند، تلفن و موبایل و بعد از آن ایمیل که قبلا مکالمات معمولی از طریق آنها انجام می‌شد، جای خود را به شبکه‌های اجتماعی دادند، شبکه‌های اجتماعی در کشور ما سانسور شدند و نتیجه این شد که یک پیام‌رسان بار انواع و اقسام شبکه‌های اجتماعی متنوع را به دوش کشید و وظیفه‌اش سنگین‌تر شد.

دیگر اینکه کسب و کارهای فضای مجازی شکل گرفته و متنوع شدند. با توجه به اینکه متوسط هزینه ایجاد شغل حداقل حدود دویست و پنجاه میلیون تومان است و این هزینه در کسب‌وکارهای آنلاین نزدیک به یک دهم است، مردم به سمت اشتغال در فضای مجازی حرکت کردند. وقتی به سمت اشتغال در فضای مجازی حرکت می‌کنی، باید یک‌سری الزامات و زیرساخت‌ها وجود داشته باشد. در این فضا باید شیوه‌های مناسبی برای ارایه خدمات وجود داشته باشد. در همه جای دنیا کسب و کارهای پلتفرمی شکل گرفته‌اند اما در ایران خیلی خوب شکل نگرفته و تلگرام بار آنها را به دوش کشیده است. بحث تبلیغات آنلاین به خوبی در کشور جا نیفتاد و تبلیغات به سمت کانال‌های تلگرامی برده شد. کانال‌های اطلاع‌رسانی هم در کشور اجازه رشد نداشتند و نتیجه آن این شد که کانال‌های اطلاع‌رسانی در تلگرام به شکل وحشتناکی رشد کردند. کشور سیاست‌هایش را در بحث تولید محتوا به سمتی برد که تولید محتوای ایرانی، اسلامی و مناسب کاربران داخلی را ۱۰ برابر کنیم درحالی که مدیایی برای عرضه آن نداشتیم و باز این محتوا هم به تلگرام برده شد. در فناوری‌های مالی چون فضا باز نبود و سیستم بانکی کشور اجازه فعالیت آنچنانی نمی‌داد، به عنوان یک ارزش افزوده در کنار ابزارهایی مثل تلگرام قرار گرفتند تا رشد پیدا کنند.

در کشور سیستم‌های مختلف فیلتر شدند و در بخش‌های زیادی هم ضعف وجود دارد، به همین دلیل به سمت تلگرام که با شرایط کشور همخوانی داشت، حرکت کردیم. در نتیجه تلگرام به یک ابزار همه کاره تبدیل شد و از نقش خود به عنوان یک پیام‌رسان فاصله گرفت. از آنجایی که تلگرام یک مدیای نو بود، به دنبال رشد بود. بازار اولیه آن هم، بازار ایران بود. به همین دلیل هر درخواستی که در بازار ایران وجود داشت، در دستور تیم نابغه تلگرام قرار می‌گرفت و این نیاز پاسخ داده می‌شد. برد برد برای هر دو طرف؛ هم تلگرام هم کاربرانی که از آن استفاده می‌کردند. چنین بود که نصف فضای مجازی کشور به تلگرام رفت. تلگرام در این قضیه رشد کرد و توانست در بقیه دنیا هم کاربرانی را جذب کند. یک زمانی گفته می‌شد که هفتاد- هشتاد درصد کاربران تلگرام ایرانی هستند اما الان کمتر از بیست درصد کاربران آن را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند. در نتیجه اهمیت کاربران ایرانی و رعایت سیاست‌ها برای تلگرام پایین آمد و دیگر همکاری‌ای که قبلا داشت را نخواست ادامه دهد. با توجه به اینکه تلگرام روزانه پانصد کاربر می‌گیرد، اگر کل بازار ایران را هم از دست بدهد در یک بازه زمانی دو ماهه کل بازارشان را ترمیم می‌کنند. این خطر مضاعف است. در این شرایط بقیه شبکه‌های اجتماعی هم بسته شده و جایگزینی برای تلگرام وجود ندارد. شبکه‌های داخلی هم به دلایل متنوع؛ زیرساخت‌های فنی و مباحث حقوقی اجازه رشد پیدا نکردند. در نتیجه یک فضای انحصاری برای تلگرام ایجاد شد و بدی‌اش این است که اگر الان تلگرام را از دور خارج کنیم، نه فقط موضوع پیام‌رسانی دچار مشکل می‌شود، زیرساخت‌های کسب و کارهای تجارت الکترونیک هم دچار مشکل می‌شوند. اتاق بازرگانی، سازمان نظام صنفی یارانه‌ای کشور و سازمان‌های دیگری آمارهای عجیب، غریبی از وضعیت کسب و کارهای فضای مجازی می‌دهند و این آمار از آمارهای واقعی پایین‌تر است. آمارهای واقعی خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. در نتیجه اگر فقط به واسطه رسالت پیام‌رسانی و اطلاع‌رسانی تلگرام آن را از رده خارج کنیم، تمام زیرساخت‌های کسب و کاری ما هم از رده خارج شده و دچار معضل می‌شوند. این تفاوتی است که امروز با سه سال قبل و اینکه یک شبکه اجتماعی در کشور ما با بقیه دنیا فرق دارد. در نتیجه به همین راحتی نمی‌شود از نقش تلگرام چشم‌پوشی کرد. در بحث شبکه‌های اجتماعی برای اینکه به رشد و توسعه پیام‌رسان‌های داخلی کمک شود، آیین‌نامه حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی در شورای عالی فضای مجازی ارایه شد. همان ابتدای کار تعریفی از پیام‌رسان داخلی ارایه می‌شود که تیشه به ریشه پیام‌رسان‌ها می‌زند. در بخشی از این آیین‌نامه آمده است که پیام‌رسان داخلی، پیام‌رسانی است که امکان اعمال حاکمیت در آن وجود داشته باشد. این بالاترین خطر برای کاربری است که نگران فضای خصوصی‌اش است. در شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین عامل موفقیت بحث امنیت حریم خصوصی است. پس ضمن اینکه بقیه قوانین به حریم خصوصی و محرمانگی اطلاعات مشکل ایجاد می‌کند. برای موفقیت یک پیام‌رسان مولفه‌های مختلفی وجود دارد:

۱) مولفه اعتماد مردم؛ که متاسفانه با این شرایط اعتماد مردم فرار می‌شود و خیلی سخت می‌توان اعتماد مردم را به دست آورد.

۲) سرمایه‌گذاری؛ پیام‌رسان‌ها همه پذیرفته‌اند که از روز اول یک بیزنس درآمدزا نیستند و نقطه سر به سری طولانی دارد و سرمایه‌گذاری در سطح بالا می‌خواهد. در نتیجه کسی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند باید یک حاشیه امنیت داشته باشد که تا چهار پنج سال این پیام‌رسان فقط روی کار است. در نتیجه سرمایه‌گذار سمت‌چنین کاری نمی‌آید. در این شرایط دو اتفاق می‌افتد؛ یا سرمایه‌ای وجود ندارد و به همین دلیل پیام‌رسانی شکل نمی‌گیرد یا اینکه سرمایه از سمت نهادهای خاصی که اعمال حاکمیت‌های خاصی می‌کنند، می‌آید و باعث می‌شود که بقیه مولفه‌ها دچار مشکل شوند. پس از نظر اقتصادی هم سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل نداشتن حاشیه امن، دچار مشکل می‌شوند.

توسعه زیرساخت‌های فنی و اینکه هرچقدر هم بگوییم که کارمان درست است و تمام نابغه‌های اپل و گوگل ایرانی هستند، کاری درست نمی‌شود. الان در کشور زیرساخت ابری درست و حسابی نداریم. امروز همه از دید فنی این مشکل را می‌بینند. اینکه ما انتظار داشته باشیم که یک پیام‌رسان کار انواع و اقسام پلتفرم‌های دیگر را هم انجام بدهد، فشار فنی بسیار سنگین‌تر می‌شود و در نتیجه اوضاع بدتر و بدتر می‌شود. از لحاظ حریم خصوصی نه فقط روی کاغذ بلکه درواقع هم این اعتماد برای کاربر ایجاد شود. وقتی که روی کاغذ نوشته شود که هیچ‌کس به این دیتا دسترسی ندارد اما پس فردا در دنیای واقعی و در بیزنس‌های مشابه نقض این موضوع دیده شود، بدیهی است که مردم اعتماد نکنند. بنابراین باید این قضیه حریم خصوصی و اعتماد کاربر برطرف شود. همچنین ما باید سرمایه بخش خصوصی را وارد بخش اقتصادی کنیم و لازمه این هم ایجاد حاشیه امنیت است. اینکه هر روز برای استارت‌آپ‌های بزرگ مشکل ایجاد کنیم، آنها را فیلتر کنیم و کارهایی مشابه آن، حاشیه امنیت پایین می‌آید و کسی حاضر به سرمایه‌گذاری نخواهد بود. باید به صورت ارگانیک زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه کسب و کارهای فضای مجازی را ایجاد کنیم که مهم‌ترین آنها کسب‌وکارهای پلتفرمی هستند. در حال حاضر نمونه‌های موفق پلتفرم اسنپ و تپسی هستند که به دلایل خاصی موفق شده‌اند. پلتفرم‌های دیگر اگر شکل نگیرد این فشار از روی شبکه‌های اجتماعی برداشته نمی‌شود. اگر این کار انجام شود، در صورتی که مجبور شویم شبکه اجتماعی خارجی را هم نگه داریم، خیلی به آن وابستگی نداریم و اگر پیام‌رسان داخلی بخواهد رشد کند هم فشار وحشتناکی روی آن نخواهد بود. در نتیجه باید در توسعه فضای کسب و کاری، به کسب و کارهای آنلاین اجازه رشد بدهیم. پیام‌رسان‌های داخلی واقعا توان ندارند که ۲۰-۱۷ میلیون کاربر را ساپورت کنند. بنابراین باید تلگرام حداقل برای کوتاه‌مدت باز شود. روش عقلانی این است که به بقیه شبکه‌های اجتماعی دیگر را هم حتی کنترل شده باز کنیم که این فشار تقسیم شود و نقطه گلوگاه در کشور نداشته باشیم. یکسری از چیزهای دیگر که حتی پیام‌رسان و شبکه اجتماعی نیستند مثل یوتیوب را هم باز کنیم که باری که الان پیام‌رسان می‌کشد و یک طیفی از کاربران به این دلیل از آن استفاده می‌کنند، دیگر از پیام‌رسان استفاده نکنند. اگر همه این کارها را انجام دهیم در میان‌مدت می‌توان بار این نقطه بحرانی را پخش کرد و فرصت هم بدهیم کسب و کارها در کشور رشد کنند.

عضو هیات مدیره سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران

گزارش

آسیب‌شناسی فحاشی در توییتر و اینستاگرام ایرانیان

زیر پوست جامعه را در شبکه‌های اجتماعی ببینید

گروه اجتماعی

«فضای مجازی ما را بی‌پروا کرده است.» کافی است سری به بخش کامنت صفحات پر بازدید شبکه‌های پرطرفدار اجتماعی بزنید تا مصادیق این جمله را به وفور ببینید. در فضای مجازی امروز با تمام حواشی ریز و درشتی که هر روز در آن ایجاد می‌شود، اوج می‌گیرد و فراموش می‌شود، افراد مختلف حق اظهارنظر بی‌واسطه و بدون سانسور دارند. امروز امکان دسترسی به یک ستاره سینما، موسیقی یا ورزش در اینستاگرام به آسانی برای آنهایی که در دورترین نقطه قابل تصور زندگی می‌کنند، فراهم است. وزرا و نمایندگان مجلس و شورای شهر آنقدر که در توییتر در دسترس هستند، در دنیای واقعی قابل دسترس نیستند. چنین فضایی از سویی می‌تواند باعث طرح مسائل بدون واسطه با فرد مسوول یا ستاره محبوب شود و از سوی دیگر آسیبی ایجاد کند که این روزها به بدترین شکل به آن مبتلا شده‌ایم و شاید همین رفتارها سلبریتی‌های هنر و ورزش و چهره‌های تاثیرگذار سیاست و فرهنگ را دوباره به پشت نقاب‌های‌شان بکشاند. یک نماینده شورای شهر، برای خواهرزاده‌اش ابراز دلتنگی می‌کند، آماج حملات آغاز می‌شود که: «این هم نمونه دیگری از ژن خوب است»، «آقازادگان شما آنسوی آبهایند» و... جای دیگر بازیگر سینما برای مرگ گربه‌اش با ادبیات خاص خودش سوگواری می‌کند، موج حملات و الفاظ رکیک و اظهارنظرهای بی‌پروا جاری می‌شود که چرا برای مرگ یک گربه ناراحت شده‌ای. بازیگر دیگری نسبت به اتفاقات اخیر کشور واکنش نشان می‌دهد و یک کلمه از توییتی که منتشر کرده مورد تایید کاربران نیست، باز هم آماج حملات و واکنش‌های تند و اظهارات نامربوط پای توییت او می‌نشینند. البته قصه حمله گروهی کاربران در فضای مجازی اتفاق تازه‌ای نیست. از همان روزهای محبوبیت فیسبوک میان ایرانیان، حمله بی‌سابقه کاربران این شبکه به اکانت «لیونل مسی» که گلی را در مسابقات جام جهانی وارد دروازه ایران کرده بود خبرساز شد و واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت و تحلیل‌های فراوانی در مورد آن منتشر شد. اما این روند هر بار بیشتر و شدیدتر از قبل در حال تکرار است. آنقدر که بسیاری از کاربران به کنایه هنگام بروز یک اتفاق می‌گویند: «حالا به صفحه کی حمله کنیم؟» بخشی از این رفتار را جامعه‌شناسان نوعی تخلیه خشم می‌دانند و برخی، فضایی برای ابراز وجود. اما آنچه مسلم است، همان‌قدر که رفتار اجتماعی ما در فضای مجازی آسیب‌های بسیار دارد، در دنیای واقعی هم دچار آسیب‌های جدی هستیم و به تعبیر کارشناسان روانشناسی و جامعه‌شناسی مهارت‌های لازم را برای یک زندگی اجتماعی سالم کسب نکرده‌ایم. اما زنگ خطر آنجا به صدا در می‌آید که خشم فضای مجازی در عرصه حقیقی هم مجال بروز پیدا می‌کند و می‌شود آنچه در هفته‌های اخیر در خیابان‌ها شاهدش بودیم. شاید به کار بردن الفاظ رکیک تنها یک رفتار به نظر برسد، اما نشانه‌ای از اتفاقی است که پشت نقاب‌های موجه اجتماعی در حال وقوع است. نقابی که در دنیای مجازی از چهره‌ها می‌افتد و روان یک جامعه بی‌پرده و برهنه از پس‌واکنش‌ها و جملات خودنمایی می‌کند.

فضای مجازی، آینه روشنی از جامعه

الهام فخاری، رییس کمیته اجتماعی شورای شهر معتقد است: «فضای مجازی به دلیل اینکه برای تمام گروه‌های اجتماعی و سنی قابل دسترس است می‌تواند آینه روشنی از کاستی‌های یک جامعه باشد. این فضا نوعی از آزادی را برای کاربر ایجاد می‌کند که شاید در زندگی واقعی کمتر تجربه می‌کند. در چنین فضایی ممکن است مطلبی خوشایند یک کاربر باشد یا نباشد. اگر فرد از مهارت کنترل هیجان‌های منفی برخوردار نباشد، واکنش‌های عجیبی نشان می‌دهد. ممکن است همین فرد در دنیای واقعی به دلیل ترس از قانون و قضاوت اطرافیانش سکوت کند اما در فضای مجازی که این محدودیت‌ها وجود ندارد و کنترلی روی فرد نیست، امکان پرخاش و رفتارهای حساب نشده و آنی بیشتر می‌شود.»

عده‌ای این رفتار را تعبیر به خشم نهفته در افراد جامعه می‌کنند، البته فخاری در این مورد می‌گوید: «بخشی از این رفتارها می‌تواند نتیجه خشم باشد. اما خشم تنها هیجان منفی در روانشناسی شخصیت نیست، ترس و دلهره و انواع دیگری از هیجانات وجود دارند که ممکن است در رفتار فرد بروز پیدا کنند. اما این رفتارها بیش از هر چیزی نشان‌دهنده ضعف مهارت‌هایی است که ما در زندگی روزمره هم داریم. در فضای مجازی چون میدان بازتر است، این ناهنجاری بیشتر خودنمایی می‌کند.» فضای مجازی علاوه بر مواردی که ذکر شد، این امکان را هم به فرد می‌دهد که با یک شخصیت ساختگی در آن فعالیت و اظهارنظر کند. همین امکان باعث می‌شود فرد بی‌پرواتر به اظهارنظر بپردازد و واهمه‌ای از قضاوت‌هایی که در دنیای واقعی او را از انجام برخی رفتارها منع می‌کند، نداشته باشد. رییس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران که روانشناسی خوانده است در این رابطه می‌گوید: «اکانت‌های جعلی باعث می‌شود که فرد از پوسته قابل قبول اجتماعی و شکل محترم خارج شود و برون‌ریزی کند. همین باعث می‌شود ما با یک جامعه پر نقاب روبه‌رو شویم. وقتی فاصله خود یک فرد با خودی که جامعه پذیرفته با خودی که خانواده و محل کار او را می‌شناسد، زیاد باشد، فرد تبدیل به یک شخصیت چند نقابی می‌شود. فضای مجازی و اکانت جعلی این فضا را فراهم می‌کند که فرد از پشت نقاب‌هایش بیرون بیاید و خود را نشان دهد. اینجاست که مهارت‌های زندگی و آموزش این مهارت‌ها خود را نشان می‌دهد. ما می‌بینیم که اکانت‌های فیک هم پرخاشگری جنسی و کلامی بیشتری دارند و هم به چهره‌های شناخته شده و صاحب‌قدرت بیشتر پرخاش می‌کنند.»

با تمام اینها، پشت هر اکانت جعلی یک فرد حقیقی نشسته هر چند خود را با نام و مشخصات و جایگاه اجتماعی واقعی خود معرفی نمی‌کند، اما او هم عضوی از یک اجتماع است و می‌توان رفتار او را به عنوان فردی از جامعه مطالعه کرد که در وصفش ابهام فخاری می‌گوید: «فضای مجازی مثل یک آینه به ما نشان می‌دهد که ما چقدر کمبود و کاستی در حوزه سلامت روان داریم. اگر ما سوادمان در حوزه سلامت روان کافی و مناسب باشد، حتی در میزان حضور در فضای مجازی هم با برنامه‌تر رفتار می‌کنیم. فضای مجازی مثل کوچه و خیابان است که ما در اتاق‌های‌مان را در آن باز کرده‌ایم. فضای مجازی نشان‌دهنده این واقعیت است که ما چقدر در مواجهه با افراد جامعه ستیز و دارای اختلال سلوک، ضعف داریم.»

ارتباطی بی‌واسطه و دوسویه

با امکانی که فضای مجازی برای کابران در سراسر دنیا فراهم کرده است، این اتفاق که کاربران واکنش‌هایی به اخبار یا توییت‌های افراد سرشناس در عرصه هنر و سیاست نشان دهند، اتفاق غریبی نیست. اما نوع این رفتار و اظهارنظر است که باعث ایجاد تمایز می‌شود. به کار بردن الفاظ رکیک که در غالب موارد توسط کاربرانی با اکانت جعلی صورت می‌گیرد، می‌تواند نشان‌دهنده ناتوانی فرد در اظهارنظر در نقش واقعی خود باشد. یا ترسی که بسیاری از فعالان فضای مجازی از مجازات‌های قانونی در کشورهای با نظام بسته دارند. اما آنچه قابل تامل است، تکثیر تاسف برانگیز این رفتار و ادبیات در فضایی است که هر روز بر تعداد کاربرانش اضافه می‌شود. فضایی که با ظرفیت‌های بسیار مناسب می‌تواند زمینه ایجاد رابطه‌ای شفاف و بی‌واسطه بین مردم نقاط مختلف کشور با مسوولان و چهره‌های شناخته شده باشد. البته این رابطه می‌تواند دو سویه باشد. تنها مردم نیستند که در بستر این فضا می‌توانند رابطه‌ای بی‌واسطه را تجربه کنند (با سلبریتی‌ها یا چهره‌های شاخص سیاسی) بلکه مسوولان هم این امکان را پیدا می‌کنند که پایگاه مردمی خود را تقویت کنند.

ادامه از صفحه اول

هنوز نتوانسته‌ایم فضاهای مشترک را مدیریت کنیم

مصداق آن هم استادیوم‌های ورزشی ما است که می‌بینید فضای آنها در این حد نامناسب است که ورود خانم‌ها به این فضاها ممنوع شده است. انسان‌ها دارای دو گونه احساس از حریم هستند؛ حریم اختصاصی و حریم مشترک. حریم اختصاصی به انسان احساس امنیت می‌دهد و حریم مشترک به انسان احساس دوستی و یگانگی می‌دهد. زمانی که انسان‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، اگر به جای اینکه در حریم مشترک در کنار همدیگر قرار بگیرند، وارد حریم اختصاصی یکدیگر بشوند، احساس اضطراب و تشویش و ایجاد حس ناامنی ناشی از این ورود، باعث ایجاد خشونت می‌شود. ولی اگر حضور انسان‌ها در کنار یکدیگر، در حریم‌های مشترک اعمال شود، شاهد بروز دوستی و یگانگی و همدلی خواهیم بود. فرض کنیم که من با خانواده‌ام در یک استراحتگاه عمومی نشسته‌ایم و چون محیط پیرامون ما خلوت است، اعضای خانواده من پوشش راحت‌تری دارند. نزدیک شدن هر فرد غریبه به این افراد، ورود به حریم اختصاصی من است و باعث می‌شود من خشونت اعمال کنم و نه تنها به او خوشامد نگویم بلکه به او اعتراض کنم. اما یک مراسم عروسی را تصور کنیم. در این مراسم، افراد وارد خانه میزبان شده‌اند اما چرا در این محیط، بودن افراد در کنار یکدیگر احساس ناامنی ایجاد نمی‌کند؟ چون این فضا حریم مشترک تلقی می‌شود. ما در جامعه مدنی‌مان نتوانستیم حریم مشترک برای نهادهای مدنی و کنشگران اجتماعی‌مان ایجاد کنیم. تمام فضاها، چه مجازی و چه واقعی و چه فیزیکی و چه معنوی، فضای اختصاصی قلمداد شده و به همین دلیل، وقتی فرد دیگری و اندیشه دیگری ورود می‌کند ما احساس ناامنی پیدا می‌کنیم و به خشونت دست می‌زنیم. اما اگر بتوانیم در فضای مجازی، حریم مشترک را جایگزین حریم اختصاصی کنیم، افراد از هتاکی کلامی هم دست برمی‌دارند. ما ۲۰ سال قبل این حجم خشونت در رفتارهای مردم نمی‌دیدیم. البته به هیچ‌وجه نمی‌خواهم بگویم مردم قدیم عاقل‌تر بودند و مدرنیته آدم‌ها را دچار این خشونت کرده. برخی افراد بهانه می‌آورند که هر چه مدرن‌تر می‌شویم باهوش‌تر و کم‌شعورتر می‌شویم. به این معنا که من و شما نسبت به پدر بزرگ و مادر بزرگ‌مان خیلی باهوش‌تریم ولی نسبت به آنها شعورمان کمتر است و به این دلیل در جامعه امروز شاهد خشونت هستیم در حالی که در گذشته شاهد آن نبودیم. اعتقاد من برخلاف تفکر این افراد، این است که در حریم اختصاصی احساس امنیت‌مان تامین می‌شود و در حریم مشترک احساس صمیمیت‌مان تامین می‌شود ولی با اختصاص چنین فضاهایی با توجه به اینکه هنوز توانایی مدیریت فضاهای مشترک را پیدا نکردیم و فقط یاد گرفتیم در فضاهای اختصاصی عمل کنیم قطعا خشونت بروز خواهد کرد.

جامعه‌شناس ارتباطات

خبر

خروج خانه نیما از فهرست آثار ملی کشور

خانه نیما یوشیج در سال ۱۳۸۰، مصادف با سالمرگ شاعر در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد. حال، پس از گذشت ۱۶ سال، خبرها حاکی از آن است که این خانه از فهرست آثار ملی ایران خارج شده و در وضعیتِ نامساعدی به سر می‌برد. سپیده سیروس‌نیا، معاون سازمان میراث فرهنگی استان تهران، ضمن اعلام این خبر گفت: متاسفانه اخیرا مالکان خانه نیما، به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند مبنی بر اینکه هیچ سند و مدرکی در خصوص اینکه این خانه متعلق به نیمایوشیج است، وجود ندارد و از دیوان خواسته‌اند تا این خانه از فهرست آثار ملی کشور خارج شود. دادگاه هم با وجود دفاعیات سازمان میراث فرهنگی و موارد مندرج در پرونده ثبتی و دیگر اسنادی که نشان می‌دهد این خانه، عملا خانه نیماست، متاسفانه به درخواست مالکان، رای مثبت داده و این خانه را در تاریخ ۱۵ آبان ماه ۱۳۹۶ از فهرست آثار ملی کشور خارج کرده است. معاون سازمان میراث فرهنگی استان تهران ادامه داد: در رأی دیوان اینگونه آمده است که هیچ‌گونه سند ثبتی واجد ارزش قضایی در نسبت خانه مورد نظر، با نیما وجود ندارد و با توجه به آن، حکم خروج از ثبت صادر شده است. البته ما هنوز نمی‌دانیم که آیا دیوان عدالت اداری، پرونده ثبتی خانه را استعلام کرده است یا خیر. این مساله باید مشخص شود. **ایلنا**

فروش ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی طرح ترافیک به خبرنگاران

عضو شورای اسلامی شهر تهران گفت: به شهرداری تهران پیشنهاد کردیم به خبرنگاران آرم طرح ترافیک سالانه به قیمت نزدیک به ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان پرداخت کند. ناهید خداکرمی با بیان اینکه در گذشته نیز سقف استفاده مردم از طرح ترافیک روزانه بیش از ۱۷ هزار نفر نبوده است، گفت: با اجرای طرح جدید گره‌های ترافیکی باز می‌شود. وی با بیان اینکه طرح ترافیک جدید شهرداری در کمیسیون سلامت تصویب شده است، گفت: البته پیشنهاداتی برای این طرح ارایه کردیم یکی از پیشنهادات این بود که این طرح ابتدا به صورت پایلوت ایجاد شود و بگوییم که سه ماه این طرح را اجرا می‌کنیم اگر خوب بود ادامه می‌دهیم اگر نه برنامه دیگری می‌ریزیم و روش را تغییر می‌دهیم. همچنین پیشنهاد شد که به پزشکان، خبرنگاران و برخی شغل‌های خاص که نیاز به تردد دارند و کارهای‌شان با فوریت است آپشن‌هایی در نظر گرفته شود که این افراد به صورت سالانه طرح را خریداری کنند. همچنین پیشنهاد داده شد شغل‌هایی که باعث بروز آزار و اذیت برای همسایگان و همچنین اختلال در ترافیک می‌شوند مانند برخی از مراکز خرید که باعث بروز ترافیک در خیابان‌ها می‌شود از این مراکز عوارض اجتماعی دریافت شود. وی اضافه کرد: ما این پیشنهادها را داده‌ایم و قرار است شهرداری آنها را بررسی کند. **فارس**

۵۰ درصد از حوادث منجر به فوت در بخش ساختمان است

علی مظفری، مدیر کل بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کشور گفت: ۵۰ درصد از حوادث منجر به فوت در بخش ساختمان است.

«علی مظفری» در همایش مهارت‌های زندگی در محیط کار ایمن در بندرعباس، گفت: ۵۰ درصد از حوادث منجر به فوت در بخش ساختمان است. وی افزود: رعایت مدل خود بازرسی کارگاه‌ها الزامی است. دربخش ساختمان کشور به علت خلأ ارتباطی کارفرما با حوزه ایمنی همچنان آمار تلفات ناشی از محیط کار بالاست که این خلأ نظارتی در کارگاه‌های ساختمانی بااستقرار کمیته‌های نظارت فنی از بین می‌رود.

او با اشاره به اینکه بر اساس مصوبه سال ۹۲ شورای فنی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کارگاه‌های با بیش از ۲۵ نفر کارگر مشمول استقرار کمیته‌های نظارت فنی هستند، گفت: با مصوبه جدید شورای فنی وزارت کار همه کارگاه‌ها افزون بر آموزش‌های فنی باید نسبت به استقرار ناظر فنی در کارگاه اقدام کنند.

مدیر کل بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کشور با اشاره به اینکه در هرمزگان ۱۶ نفر کار بازرسی سلامت و ایمنی کار از دو هزار و ۶۰۰ کارگاه کوچک و بزرگ استان را انجام می‌دهند که باید خود کارگاه‌ها نیز آیین‌نامه‌ها و نکات فنی مربوط به ایمنی کار را در دستور کار جدی قرار دهند. **ایلنا**

فرار ۳ هزار دختر از خانه در نیمه نخست سال

حسین اسدبیگی، رییس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به آمار پذیرش فرار دختران از منزل در سال ۹۵، گفت: «با مقایسه این آمار در نیمه نخست سال جاری مشخص می‌شود آمار فرار دختران افزایش یافته است به طوری که در این زمان بالغ بر ۳ هزار دختر از منزل فرار کرده‌اند.» اسدبیگی با اشاره به آمار تماس‌های برقرار شده درباره آسیب‌های اجتماعی، بیان کرد: «بخشی از این آسیب‌ها به فرار دختران از منزل برمی‌گردد به طوری که در سال ۹۵، ۵ هزار و ۳۸ مورد در این زمینه به اورژانس اجتماعی اطلاع داده شده بود.» او ادامه داد: «آمار اشاره شده در ۴ بخش ثبت شده که یک هزار و ۱۱۸ مورد از طریق مراکز مداخله در بحران، یک هزار و ۱۴ مورد از طریق خدمات سیار، دو هزار و ۵۷۹ مورد از طریق برقراری تماس با خط ۱۲۳ و ۲۵۹ مورد هم از طریق پایگاه‌های خدمات اجتماعی پذیرش شده‌اند.» وی گفت: «در زمان اشاره شده از طریق مرکز مداخله در بحران ۶۴۴ مورد، خط ۱۲۳، یک هزار و ۷۲۷ مورد، خدمات سیار ۵۱۵ مورد و در نهایت از طریق مرکز مداخله در بحران نیز ۱۴۴ مورد پذیرش شده‌اند.» اسدبیگی افزود: «این افراد حداکثر ۳ هفته در مراکز اشاره شده نگهداری می‌شوند و در نهایت و در صورت تشخیص مددکار اجتماعی، فرد به خانواده بازگردانده می‌شود و در غیر این صورت موضوع از طریق قضایی پیگیری می‌شود.» **تسنیم**

آسیب‌های اجتماعی

انجمن جامعه‌شناسی ایران ابعاد خودکشی دو دختر اصفهانی را بررسی کرد

نمایش مرگ در مقابل دیدگان جامعه

گروه اجتماعی | خودکشی دو دختر ۱۵ ساله در اصفهان یکی از تکان‌دهنده‌ترین حوادث امسال است. درباره دلایل این حادثه که آبان ماه امسال رخ داد گمانه‌زنی‌های متعددی شد. از جمله اینکه در ابتدا احتمال ارتباط میان خودکشی این دو نوجوان و چالش «نهنگ آبی» مطرح شد اما بعدا این احتمال از سوی کارشناسان و اورژانس رد شد. ضرورت شناخت ابعاد خودکشی دو نوجوان اصفهانی موجب شد تا حلقه مطالعات مسائل اجتماعی زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران روز دوشنبه ۱۸ دی ماه نشست تخصصی تحلیل جنسیتی خودکشی‌های اجتماعی را برگزار کند.

خودکشی زنان و فقدان حمایت‌های اجتماعی

زهرا دلپیشه، پژوهشگر زنان و جنسیت از افزایش آمار اقدام به خودکشی در میان زنان ابراز نگرانی کرد: «اقدام به خودکشی در زنان، سه برابر مردان است. مطابق آمارهایی که رییس اورژانس اجتماعی ایران چند سال پیش اعلام کرد، اگرچه میزان خودکشی منجر به مرگ در مردان از نظر آماری بیشتر است ولی اقدام به خودکشی در زنان بیشتر از مردان است. درباره دلایل این مساله هم بنابر جنسیت بحث و تحلیل‌های جنسیتی زیادی انجام شده است. عوامل محیطی و اجتماعی در این موضوع دخیل هستند. محیط خانوادگی افراد، کنترل مردسالارانه بر زنان در خانواده و جامعه تا روش‌های تربیتی متفاوت و جنسیت زده در مورد دختربچه‌ها و پسربچه‌ها یا احساس مورد تبعیض بودن در جامعه، ازدواج‌های اجباری قبل از سن قانونی، اختلافات شدید و خشونت‌های خانوادگی که اغلب از نوع نهانی و خاموش نیز هستند، در کنار حاکمیت سنت‌ها و عرف بر کنش‌های فردی زنان و محرومیت گسترده آنها در خانواده و جامعه، از مهم‌ترین عوامل افزایش خودکشی در بین زنان و دختران به شمار می‌روند.»

دلپیشه افزود: در چنین شرایط اجتماعی، خودکشی به مثابه واکنش در برابر درد و رنج است و اینکه زنان در موقعیت‌های خاص به اقدام به خودکشی می‌کنند، بیشتر از ویژگی‌های فردی و روانی به مساله فقدان حمایت‌های اجتماعی مرتبط است. خودکشی به عنوان راهی برای رهایی از موقعیت نامناسب و اندوهناک انتخاب می‌شود و در زمینه نوع اجتماعی صورت گرفتن آن، حامل پیامی است به جامعه در آخرین لحظات زندگی فرد که می‌خواهد به صورت فریاد اعتراضی به وضعیت خود در قالب نمایش مرگ آن را منتقل کند.

این پژوهشگر حوزه جنسیت تصریح کرد: «برخی باورهای فرهنگی، مانند مسائل و مفاهیم عرفی شده و رایج در باور عام همچون ناموس‌پرستی، حفظ حیثیت و آبرو و سایر موارد از این دست، موجب می‌شوند زنان به طور ناخواسته از رشد اجتماعی و اقتصادی محروم شوند و امکان این را نداشته باشند که به شیوه‌های دیگری زندگی خود را متحول کنند، از این رو اولین و آخرین راهکار را نمایش مرگ در مقابل دیدگان جامعه می‌بینند.»

به گفته دلپیشه در مورد خودکشی دو نوجوان اصفهانی و موارد مشابه، دلایلی چون عدم توانایی ارتباط صحیح با جنس مخالف و نبود بستر لازم برای طرح کردن مشکلات و صحبت از این موضوعات در خانواده، نقش دارد: «در محتوای فیلم منتشر شده از این دو نوجوان هم تا حدی این موارد ملموس بود. اما باید در نظر داشت که چنین مشکلاتی از طریق تفکیک جنسیتی یا پاک کردن صورت مساله حل نمی‌شوند.»

پیام خودکشی‌های زنان چیست؟

رابعه موحد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر مسائل زنان و خانواده دیگر سخنران این نشست بود. او طرح بحث آماری درباره خودکشی، گفت: «طبق آمار خودکشی سازمان بهداشت جهانی از هر هشت هزار نفری که خودکشی منجر به مرگ می‌کنند نیمی از آن افراد ایرانی هستند که از آن میان ۳۵ درصد زن و ۶۵ درصد مرد هستند. اما در اقدام به خودکشی که منجر به مرگ نشود، در واقع این آمار معکوس است.» به گفته موحد میزان خودکشی در زنان جهان سوم، زنان جوان و زنان متاهل بیشتر است. این پژوهشگر مسائل زنان و خانواده در ادامه گفت: «انتخاب بین زندگی کردن یا خودکشی با مهارت‌ها و ساختار شخص ارتباط دارد. زمانی که تجارب ناگوار بیش از حد تحمل است مکانیسم‌هایی که منجر به خودکشی می‌شود، شکل می‌گیرند. ناتوانی از حل مشکل و این تصور که در آینده هم امیدی نیست منجر به خودکشی می‌شود راه‌هایی به زنان یاد داده شده که منفعلانه عمل می‌کنند. زنانه بودن این رفتار حاکی از پذیرش این ضعف است که ما زنان نمی‌توانیم بدون حمایت مردان به جایی برسیم. چرا زنان اقدام به خودکشی می‌کنند؟ این اقدام در اکثر زنان به این دلیل است که می‌خواهند این پیام را برسانند: مرا ببینید با من بهتر باشید.»

موحد در خصوص خودکشی دو نوجوان اصفهانی هم گفت: «نکات پنهان دراین خودکشی زیاد است و فکر نمی‌کنم که بتوان آن را از نوع خودکشی اجتماعی محسوب کرد. گاهی نوجوان توان مدیریت شرایط بحرانی که در آن قرار می‌گیرد را ندارد و گاهی با اتفاقی در خانواده ناگهان چنین شرایطی برای نوجوان رخ می‌دهد.» او با اشاره به فقدان فرهنگ گفت‌وگو در خانواده‌ها، گفت: «خانواده حاضر نیست به حرف فرزندان و نوجوانان و جوانان خانواده گوش کند، از طرفی فقدان رابطه عاطفی، میل به مردن را بیدار می‌کند و شرایط اجتماعی و مردسالاری حاکم در جامعه هم خودکشی را ویژه و قابل بحث‌تر می‌کند، در واقع این موارد منجر می‌شوند که خودکشی زنانه شود. البته باید تاکید کرد اینها همه برآمده از باوری است که زن را در موضع ضعف می‌داند؛ باوری که از سوی جامعه القا و نهادینه می‌شود.»

سطح اضطراب نوجوانان بالا است

حسام فیروزی، روانپزشک کودک، نوجوان و خانواده دیگر سخنران این نشست بود. فیروزی در سخنانش موضوع بحران‌های خاص نوجوانان و دخالت این بحران‌ها در خودکشی‌های اجتماعی را مورد توجه قرار داد. او در ابتدا گفت: «مغز زنان و مردان تفاوتی ندارد ولی ترشح هورمونی آنها فرق دارد. ساختار زنانه مغز پیشرفته‌تر از ساختار مردانه است. پس زن‌ها به لحاظ تکاملی بالاتر هستند اما بحث تمایز در تکامل بیشترین نقش را دارد هرچه تمایز شکل می‌گیرد موجود پیشرفته‌تر می‌شود. در بحث مرگ انسان‌ها مهم‌ترین نیاز، تامین امنیت است. امنیت فاصله زندگی و مرگ است، هرچه ما را به سمت مرگ سوق می‌دهد برابر با خطر است و هرچه به سمت زندگی ما را سوق دهد مساوی با قدرت است. وقتی حس خطر می‌کنیم، یعنی ارزیابی از خطر، منجر به خودکشی می‌شود. ما می‌دانیم که بزرگ‌ترین معضل انسان همواره مرگ است اما ناگهان چه می‌شود که این میل به مرگ شکل می‌گیرد؟»

فیروزی با طرح این پرسش افزود: «در نوجوانی ترس از مرگ انکار می‌شود. از یکسو هورمون‌های نوجوان در حال غلیان هستند و از طرفی دیگر در دنیای مدرن نوجوانان گرایشات خاص خود را دارند. دنیای مدرن دایم ما را ناکام می‌کند در حالی که دنیای قدیم اینگونه نبود. پس در این جهان مدرن نوین، سطح اضطراب بالاست، چون خواسته‌ها زیاد است. نوجوان هنوز بخشی از وجودش کودک است و انتزاع او تازه در حال شکل‌گیری است و هنوز نمی‌تواند به خوبی پشت یک مساله و ابعاد مخفی و جانبی آن را ببیند. با توجه به همه این موارد در بررسی خودکشی دو نوجوان اصفهانی که به راحتی در مورد بعد مرگ خود هم چنانچه در فیلم منتشر شده دیدیم، حرف می‌زدند، می‌توان گفت آنها هم تا حدی نتوانسته‌اند مرگ را تصویر و درک جدی کنند.»

این روانپزشک درباره علت بیشتر بودن آمار اقدام به خودکشی‌هایی که منجر به مرگ نمی‌شوند در زنان، گفت: «روان زنانه دارای امید بیشتری نسبت به روان مردانه است و روحیه مسوولیت‌پذیری در زن سبب می‌شود که از ابزاری استفاده کند که خودکشی به طور قطعی تحقق نیابد؛ از این رو گفته می‌شود که شاید بیشتر خودکشی‌های زنان به صورت نمایشی و اعتراضی هستند تا به قصد جدی مردن. البته در مواردی هم این طور نیست و دلیل خودکشی همان قرار گرفتن در تنگناهای جدی است.»

دیدگاه

عصبانی هستیم

علی گرانمایه‌پور

فضای مجازی علاوه بر مزیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که دارد یکسری معایب هم دارد که از یک بستر فرهنگی به بستر فرهنگی دیگر متفاوت است؛ اتفاقی که سال‌ها است افتاده به‌خصوص پس از ظهور شبکه‌های اجتماعی مانند توییتر و فیسبوک و پیام‌رسان‌های موبایلی مانند تلگرام و ابزار مشابه این روی دیگر را خیلی خوب به نمایش گذاشته‌اند. سال‌ها قبل پس از اینکه لیونل مسی در جام جهانی به ایران گل زد حدود ۴۸ هزار نفر کاربر ایرانی در فضای مجازی پیام‌های عجیب و غریبی فرستادند، پس از آن نوبت به حمله به صفحه میشل اوباما رسید و بعدتر افراد دیگر. این اتفاقات فارغ از نگاه سیاسی نماینده بخشی از فرهنگ مخفی و رفتار اجتماعی ما است. آنچه با عنوان فحاشی یا هرزه‌نگاری در فضای مجازی از آن صحبت می‌شود را ما با نام پوپولیسم در فضای مجازی می‌شناسیم. پوپولیسم فضای مجازی چند زمینه دارد، چند مورد که به دلیل نسبی بودن، ریشه یک سری از این رفتارها را تشکیل می‌دهند: ۱- هویت در این فضا نسبی است. گمنامی به من نوعی، القا می‌کند که هرچه بگویم، هر رفتاری داشته باشم و هر محتوایی که تولید کنم گیر نمی‌افتم و کسی سراغ من نمی‌آید. ۲- اخلاقیات هم نسبی است. هر کاربری متناسب با عادات و رفتار و نیازهای سرکوب‌شده‌اش تولید محتوایی می‌کند که ممکن است سخیف باشد و باعث ایجاد کینه شود. ۳- امنیت هم در این فضا نسبی است، از امنیت تجهیزات سخت‌افزاری گرفته مانند گوشی و لپ‌تاپ تا امنیت روانی آدم‌ها. این نسبیت‌ها دست به دست هم داده‌اند و دارند این خصوصیت را در جامعه ما برجسته می‌کنند که پس از هر اتفاقی و پس از یک اظهارنظر از سوی یک داور، یک مربی، یک ورزشکار یا هنرپیشه، موج فحاشی‌ها هم شروع می‌شود. یکی از نمودهای پوپولیسم در فضای مجازی، بازنمایی شخصیت عصبانی جامعه است. اما نکته دیگری هم وجود دارد؛ هرچه از لحاظ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و روابط اجتماعی، انسداد را در فضای جامعه بیشتر بکنید، احتمال اینکه مردم در فضای مجازی دست به خودگشودگی و بیرون ریختن آنچه سرکوب‌شده بزنند، بیشتر است. هرچه تاب‌آوری جامعه کمتر باشد، هرچه جامعه عصبانی‌تر باشد و هر چه انسداد سیاسی، خبری بیشتر باشد، هر چه آرزوهای سرکوب‌شده در مردم و فشار گرانی ببینید این نوع رفتار را هم بیشتر در فضای مجازی مشاهده می‌کنید. باید توجه کرد که نوع و میزان و شکل این فحاشی‌ها هم با یکدیگر متفاوت است. گاهی می‌بینید یک شخصیت سیاسی مخالف یا موافق نظام یک حرفی می‌زند، بلافاصله به صفحه این فرد حمله می‌شود. اگر من در گذشته فحاشی می‌کردم یا می‌خواستم خشم خودم را نشان دهم به دلیل کنترل اجتماعی که رویم وجود داشت این کار را با حساب و کتاب انجام می‌دادم. اما فضای مجازی کنترل ندارد، کنترل نسبی است و این باعث می‌شود که بدون رعایت مسائلی که قبلا به آن فکر می‌کردند دست بزنند به حمله به صفحه افراد و تولید محتوایی که همراه با فحاشی است. اما کاربران و مردم ما باید یک نکته را به یاد داشته باشند؛ متاسفانه آنچه در فضای مجازی به شکل توهین و فحاشی به آدم‌های دیگر، کشورهای دیگر و فرهنگ‌های دیگر تولید می‌کنیم، نمایندگی می‌کند فرهنگ ما را، معرف بخشی از فرهنگ ما است. بله، تعداد توهین‌کنندگان به مسی شاید تنها ۴۸ هزار نفر باشد، در برابر جمعیت یک کشور عدد کمی است اما این باور را به وجود می‌آورد که ایرانی‌ها عصبی و بی‌ادب و پرخاشگر هستند. پیغام‌ها و اظهارنظرهای آنها بخشی از فرهنگ جامعه ما را دارد به تصویر می‌کشد. حالا در این فضا صحبت از تعیین مکانی برای ابراز اعتراض در شهر مطرح شده است. یک ایرادی در مدیران و مسوولان ما هست؛ در رسیدگی به بحران‌های اجتماعی معلول گراییم، نه علت‌گرا. لازم نیست ما به مردم بگوییم بروید فلان جا و فریاد بزنید، باید مشکلاتی که باعث می‌شوند مردم نیاز به فریاد زدن داشته باشند را کم کنیم. در حوادث اخیر آمارها نشان می‌دهد که اغلب دستگیرشدگان در رده سنی ۱۶ تا ۲۶ سال هستند، یعنی کسانی که نیاز به کار دارند، کسانی که نیاز به مشغولیت دارند. به مسوول عزیز در شورای شهر توصیه می‌کنم که به جای پیگیری محلی برای اعتراض، پول این پروژه را صرف این کنند که برای صد نفر از آن کسانی که نیاز به فریاد زدن دارند، کار پیدا کنند. کارگران را سر کار برگردانند، زمینه‌ای فراهم شود که پدران از فرزندان‌شان شرمنده نباشند و این عصبیت و سرخوردگی در خانواده کاهش پیدا کند. محل اعتراض قرار است یک راهکار ارتباطی باشد، من می‌گویم بعد عصبانیت جامعه ما از بُعد ارتباطی فراتر است، از بُعد جامعه صنعتی هم فراتر است. ما یک عصبانیت جامعه صنعتی داریم؛ زن‌ها و مردها به دلیل کار زیاد، ماندن در فضاهای بسته و عدم ارتباط با خانواده عصبی می‌شوند اما گاهی یک جامعه به سبب مشکلات عصبی است. اینها به لحاظ ارتباطات انسانی بسیار متفاوت هستند. گاهی جامعه‌ای عصبانی است. یکی از دلایل عصبانیت در جامعه ایرانی بعد از فقر و بیکاری، تحقیر است. باید ببینیم چه شد که مردم تحقیر شدند، آیا نهادهای سیاسی مردم را تحقیر کردند؟ آیا نهادهای اقتصادی مردم را تحقیر کردند؟ آیا تحقیر در محل کار شکل گرفته است؟ پیشنهادم این است که به جای معلول گرایی و رفتن به سراغ تعیین محلی برای فریاد زدن به سراغ پیدا کردن ریشه‌های این عصبانیت روند و کارشان را از علت‌ها شروع کنند.

استاد ارتباطات و روزنامه‌نگاری

جدول

سودوکو

								۲
	۳	۵	۶		۹	۱	۸	
۲				۸				
					۵			۳
	۱	۳				۶	۵	
۴			۹					
				۱				۵
	۴	۲	۷		۸	۹	۱	
۱								

۱	۵	۸	۷	۲	۳	۶	۹	۴
۶	۲	۷	۹	۸	۴	۳	۵	۱
۴	۳	۹	۶	۵	۱	۷	۲	۸
۹	۶	۳	۱	۷	۲	۸	۴	۵
۷	۱	۵	۸	۴	۶	۲	۳	۹
۸	۴	۲	۵	۳	۹	۱	۶	۷
۵	۹	۱	۳	۶	۸	۴	۷	۲
۳	۸	۴	۲	۹	۷	۵	۱	۶
۲	۷	۶	۴	۱	۵	۹	۸	۳

متقاطع

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ک	ا	ر	د	ی	ن	ا	ل	■	ش	ه	ر	ی	ا	ر
۲	و	ر	ی	س	م	■	م	ب	ا	ر	■	ب	ا	ن	و
۳	ب	د	س	ت	■	د	ل	ی	چ	ا	ن	■	ر	س	ا
۴	ی	ل	■	ا	م	ی	■	ک	ی	■	ا	ک	و	ا	ن
۵	س	■	ا	س	ر	ا	ر	■	ر	ا	م	ا	■	ن	خ
۶	م	ا	ش	■	س	ر	م	ا	■	م	ی	ن	ا	■	و
۷	■	ح	ت	م	ی	■	ا	ل	ا	ل	ه	■	ت	ر	ا
۸	ب	ا	ی	ن	■	ه	ی	و	ل	ا	■	ک	و	ز	ه
۹	ا	د	ا	■	ا	ی	ت	ا	م	■	م	ر	ب	ا	■
۱۰	ز	■	ن	و	ب	ر	■	ر	ا	گ	و	■	و	ق	ت
۱۱	ا	ج	■	ر	ب	ی	ع	■	س	و	س	ی	س	■	ن
۱۲	ر	و	ب	ا	ه	■	ی	ر	■	ن	م	و	■	د	و
۱۳	ی	ا	د	■	ا	ف	س	ا	ن	ه	■	ح	ر	ا	م
۱۴	ا	ه	ا	ب	■	ا	ی	م	ا	■	ش	ن	ی	د	ن
۱۵	ب	ر	ق	ر	ا	ر	■	ح	ی	د	ر	ا	ب	ا	د

افقی

۱-از شهرهای ایلام-پادشاهی هندی که تاج محل را ساخت
۲-رگ حیاتی مصر-عین‌الناس،قطشه-همراه پشتک
۳-نام ترکی-خطکش مهندسی-عضو اصلی تنفس-غارتگر نفت ایران
۴-چلنگر-خرگوش
۵-پندوسفارس-مزه خرمالو-رنگ مشکی-هزار کیلو
۶-راه فرار-هجوم بردن-قوم هود
۷-زمین ترکی-سرپرست و ولی-انباشته شده
۸-کشتی تاریخی فلیپ دوم-ذره هسته اتم
۹-کشور نوشابه-کشت به امید باران-حرف تردید
۱۰-مردم قرآنی-کتاب حضرت موسی-حرف عصا
۱۱-عضو بالانشین-تپه-سنگ آسیاب-کشتی ژاپنی
۱۲-خلاص و رهایی-بندگی خدا
۱۳-مرطوب-سارق-پروردگار عالم-گیاه توخالی
۱۴-فریاد بلند-اهل قاره ما-پسوند شباهت
۱۵-کتابی از ابن ندیم-شاعرانه

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱								■							
۲				■							■				
۳			■			■				■					
۴		■							■					■	
۵					■			■					■		
۶				■		■						■			
۷			■				■							■	
۸	■							■							■
۹		■							■				■		
۱۰				■						■		■			
۱۱			■					■			■				
۱۲		■					■							■	
۱۳						■				■			■		
۱۴					■							■			
۱۵								■							

عمودی

۱-علم تشریح-آدمیان
۲-درخت لرزان-زرداب-واحد سطح-درنگ
۳-مخزن اسرار-از مشتقات نفت-سینمای سوخته-پنبه‌زن
۴-از شهرهای یزد-پشت گردن-کرایه دادن
۵-بهره‌مند-خائن
۶-لحظه کوتاه-نگهبان گله-استمرار و پیوستگی-درخت مورد
۷-کج و خمیده-شب سرد-ید
۸-همچنین-نیز-دویار هم قد-از بت‌های جاهلیت
۹-ملک و سلطان-پارچه براق-دارای پیچ و خم
۱۰-برگ برنده-از شهرهای زنجان-نت پنجم-دریای عرب
۱۱-داستان جالب توجه-مقصد رود
۱۲-شاخه تازه درخت-خزنده خاکی-میوه جاذبه
۱۳-گریزنده-برادر پدر-کویر برهنه-همراه آشغال
۱۴-رود مرزی ایران-صفت عدد-غلاف شمشیر-فراموشی
۱۵-کاتب-ماده‌ای طبی که از زغال سنگ می‌گیرند

دانشگاه علوم پزشکی کرمان

آگهی مناقصه عمومی
دو مرحله‌ای به شماره ۵۷/۱۰/۱۱/۹۶

دستگاه مناقصه‌گزار	دانشگاه علوم پزشکی کرمان
موضوع مناقصه	تامین برق ساختمان جدیدالاحداث بیمارستان شهید باهنر کرمان با احداث شبکه‌های بیست کیلوولت زمینی و هوایی به صورت کلید در دست
تضمین شرکت در مناقصه	مبلغ برآورد: ۲۱/۷۴۵/۸۳۵/۶۵۶ ریال مبلغ تضمین: ۱/۰۸۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال
	نوع تضمین شرکت در مناقصه: واریز نقدی/ضمانتنامه بانکی
دریافت اسناد از تاریخ درج آگهی لغایت ۹۶/۱۰/۲۸	الف) خدمات الکترونیکی، مناقصات دانشگاه http://www.kmu.ac.ir ب) پایگاه ملی مناقصات http://Iets.mporg.ir
آخرین مهلت تحویل پیشنهادها: تا ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۹۶/۱۱/۹	محل تسلیم پیشنهادها: بلوار هفت باغ-پردیس دانشگاه علوم پزشکی-دفتر مرکزی، حراست دانشگاه
گشایش پیشنهادها	طبق اسناد مناقصه

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی کرمان
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.